

وای بر کسانی که زخم زبان می‌زنند

احمد عبدالتیان| در ادامه مرور سوره‌های کوچک قرآن کریم، آیات اول سوره مبارک همزه را باهم تلاوت می‌کنیم که خداوند متعال می‌فرماید: «وَتِلْكَ لَمْزَةٌ لَّهٖ؛ الَّتِي جَعَلَ مَالًا وَ عَذَّةً؛ يَخْشِبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ؛ كَلَّا لَئِنْ بَدَأْتُ فِي الْخَطْمَةِ؛ وَايَ بر هر عیب جوی طعنه‌زن، آن‌که مالی جمع کرد و شماره‌اش کرد، او خیال می‌کند که اموالش او را جاودان ساخته است. چنین نیست [که می‌پندارد] قطعاً او در [آتش] شکننده‌ای افکنده شود.»

در این آیات از دو کلمه «هَمْزَةٌ» و «لَمْزَةٌ» استفاده شده که «هَمْزَةٌ» به معنای عیب جویی ازطریق چشم‌وآبروواشاره‌است و«لَمْزَةٌ» به معنای عیب جویی با زبان است و حرف ة در آخر این دو کلمه برای مبالغه است؛ یعنی وای بر کسی که با اشاره و چشم و آبرو و با زبان خود عیب‌تراشی می‌کند و به دیگران طعنه می‌زند.

گروهی از کسانی که طعنه می‌زنند، افرادی هستند که از شمارش اموال خود و به‌رخ‌کشیدن آن و سرگرم شدن به آن لذت می‌برند و گمان می‌کنند این ثروت همیشگی است و آن‌ها را برای همیشه در دنیا نگه می‌دارد و دیگر بیماری و مرگ به‌سرآغ آن‌ها نمی‌آید، اما این آیات قرآن این دیدگاه را مذمت می‌کند و می‌فرماید، این نگاه به دنیا، سرانجام انسان را به آتش جهنم می‌رساند.

البته باید توجه داشت که داشتن مال دنیا و بهره‌بردن از آن نکوهیده نیست، در زبان قرآن کریم، اگر بعداز توجه به خدا به‌سرآغ مال برویم نه‌تنها مشکلی ندارد، بلکه ارزش محسوب می‌شود، ولی اگر به‌جای یاد خدا به‌سرآغ مال دنیا برویم و بعد یا رفتارتر بگذاریم و دیگران را هم مسخره کنیم، عاقبت سختی دارد.

صحیفه

وقتی شاهی نداری

علیرضا وکیلی| یکی از سخت‌ترین لحظه‌های زندگی، وقتی است که حق با ماست اما مدركی برای اثبات آن نداریم، شاید در محل کار، کسی زحمت ما را به نام خودش ثبت کرده باشد، شاید در یک اختلاف خانوادگی، کسی سخن ما را باور نکند، یا در فضای مجازی، تهمت‌ی منتشر شود که اثبات نادرستی آن آسان نباشد. در چنین موقعیت‌هایی، بیشتر از خود ظلم، احساس تنهایی، انسان را آزار می‌دهد. انکار حقیقت، پشت دیواری از سوء تفاهم و قضاوت‌های عجولانه پنهان شده است.

امام سجاده^(ع) در دُعای چهاردهم صحیفه سجاده، در دُعایی که هنگام روبه‌روشدن باظلم یامشاهده‌ستم می‌خواندند، خدا را چنین می‌خوانند: «وَ يَا مَنْ لَا يُخْفَا فِي قَضَائِهِمْ إِلٰهِي شَهَادَاتُ الشَّاهِدِينَ» «ای خدایی که برای دانستن حقیقت ماجرای ستم‌دیدگان، به گواهی گواهان نیازی نداری.» چه تعبیر آرامش‌بخشی! اما برای اثبات حق خود، گاهی دنبال شاهد، فیلم، پیام یا مدرک می‌گردیم؛ اما خدا حقیقت را بی‌واسطه می‌بیند. او نه فریب ظاهر را می‌خورد، نه تحت تأثیر جایگاه افراد قرار می‌گیرد و نه منتظر است کسی به نفع یا ضرر ما شهادت بدهد.

این فراز، قبل از آنکه درباره عدالت خدا باشد، درباره آرامش دل انسان است. وقتی یقین داشته باشیم خدا همه حقیقت را می‌داند، دیگر لازم نیست برای اثبات خود، به هر دری بزنیم یا با هر کسی وارد جدل شویم. این به معنای صرف‌نظرکردن از پیگیری حق نیست؛ اسلام سفارش کرده است که انسان از راه‌های قانونی و درست، حق خود را مطالبه کند. اما فرق بزرگی میان «پیگیری حق» و «آشفته‌شدن دل» وجود دارد. فرض کنید در محل کار، همکاران گزارش شما را به نام خودش ارائه کرده است. اگر تمام فکر و ذهن‌تان درگیر این باشد که چگونه از او انتقام بگیرید، آرامش خود را هم از دست می‌دهید. اما اگر درکنار پیگیری منطقی موضوع، باور داشته باشید که خدا حقیقت را می‌داند، تصمیم‌های شما از روی عصبانیت نخواهد بود.

امیرالمؤمنین علی^(ع) می‌فرماید: «مَنْ جَعَلَ اللَّهَ شَهِيدًا، اسْتَعْنَى عَنْ شَهَادَةِ النَّاسِ، كَسَى كَسِيَّ خُدا را گواه خود بداند، دلش به گواهی مردم وابسته نمی‌شود.» این نگاه، انسان را از تلاش برای اثبات حق بی‌نیاز نمی‌کند، اما او را از وابستگی به قضاوت دیگران نجات می‌دهد.

شاید همه حقیقت را نبینند، شاید بعضی‌ها هرگز باور نکنند، اما مؤمن می‌داند مهم‌ترین شاهد، همان کسی است که هیچ حقیقتی از نگاه او پنهان نیست، همین باور، امید را زنده نگه می‌دارد و اجازه نمی‌دهد ظلم دیگران، آرامش درون انسان را نیز از او بگیرد.

احکام

حکم شرعی چاپ و نوشتن آیات قرآن و اسامی معصومان^(ع) روی لباس و زیورآلات

سمانه رضوانی| در جامعه امروزی، استفاده از زیورآلات، لباس و وسایل شخصی که دارای آیات قرآن یا اسامی مقدس معصومان^(ع) هستند، رواج یافته است. این موضوع به آن دلیل اهمیت دارد که این اشیا در طول روز با دست و بدن برخورد دارند. هرچند همراه داشتن این اسامی مبارک می‌تواند نشانه ارادت قلبی باشد، باید حدود شرعی آن به‌درستی رعایت شود. نظر مراجع معظم تقلید درباره حکم چاپ و استفاده از این نوشته‌ها ارائه می‌شود:

آیت‌الله‌العظمی شهید سیدعلی خامنه‌ای:

اشکال ندارد، ولی واجب است احکام شرعی درمورد آن رعایت شود و از بی‌احترامی و تجس‌کردن و دست‌زدن بدون وضو به نوشته‌های آن خودداری شود.

آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی:

این کار اشکالی ندارد، ولی در هنگامی که وضو ندارند، باید نام‌های خدا و اسامی معصومین^(ع) بنابر احتیاط واجب، با بدن آن‌ها تماس پیدا نکنند.

آیت‌الله‌العظمی صافی‌گلپایگانی:

اصل چاپ و نوشتن این کلمات مبارکه بر روی جاکلیدی یا اشیای دیگری که شخص همراه خود دارد اشکال ندارد؛ فقط باید دارندگان این اشیای محترمه، رعایت قداس‌ت و احترام آن‌ها را بنمایند و به‌شکل غیرمحترمانه و توهین‌آمیز از آن استفاده نکنند. والله‌العالم.



شکر

۲۳ شنبه

۱۳۵۰ خرداد ۲۳

شماره: ۲۸۲

۱۴



شکر

گفت‌وگو

نگاهی به زندگی حضرت رقیه^(س) در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام‌والمسلمین امین‌رستمی

گریه‌های کودکانه‌ای کنج یک خرابه که تاریخ‌ساز شد

آمنه مستقیمي| از عواملی که به قیام عاشورای حسینی درکنار حماسه و شعور، شور و عاطفه می‌بخشد، حضور زنان و کودکان است که نه اهل جنگ و جنگاوری بودند و نه خطری از جانب آن‌ها دشمن را تهدید می‌کرد اما مورد بی‌رحمانه‌ترین جنایات قرار گرفتند که همین سند مظلومیت سیدالشهدا^(ع) است و در تاریخ ماندگار شد؛ ازجمله جنایت در حق نازدانه سه‌ساله امام^(ع) که پنجمین روز از ماه صفر، سالروز شهادت ایشان است. به‌مناسبت فرارسیدن این روز با حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر علی امین‌رستمی، عضو هیئت علمی گروه تاریخ مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی^(ره) و کارشناس تاریخ اسلام برنامه‌های معارفی رسانه ملی، گفت‌وگو کرده‌ایم.

نگاه تاریخ به سه‌ساله کرپلا^(س)

بآنکه درباره کودک خردسال حضرت سیدالشهدا^(ع) مناقشاتی میان اهل تحقیق وجود دارد، قدیمی‌ترین منبع تاریخی که از این نازدانه سخن به میان می‌آورده و ماجرای خرابه‌شام را نقل می‌کند، کتابی است به نام «کامل بهایی»، نوشته شخصیتی شیعی به نام عمادالدین طبری. ما در تاریخ اسلام چند شخصیت به نام طبری داریم که یکی از آن‌ها عمادالدین طبری، متوفای قرن هفتم هجری است. ماجرای معروفی که معمولاً مداحان و روضه‌خوانان درباره حضرت رقیه^(س) در خرابه‌شام نقل می‌کنند، با این کیفیت که سر پدر را برای آن نازدانه بُردند و او از غصه زنجور شد و پس از مدتی در اثر بیماری درگذشت، از کتاب کامل بهایی نقل شده است.

سند جنایات بنی‌امیه

عمادالدین طبری سن آن دخترچه را چهارسال نقل کرده درحالی‌که بین مردم به «سه‌ساله کرپلا، مشهور است. طبری در کتاب کامل بهایی (به‌عنوان قدیمی‌ترین سند نقل این ماجرا)، آن را از یک منبع قرن چهارمی به نام «الحاویه فی مثالب المعاویه» (گدازه‌ای از خیانت‌های بنی‌امیه و معاویه) نقل کرده است. کتابی که از بین رفته و اکنون در دسترس نیست و مأمونی، نویسنده آن، متوفای قرن چهارم و از نسل مأمون عباسی و ضد بنی‌امیه بوده‌و در کتابش، جنایات بنی‌امیه ازجمله داستان دختر خردسال امام حسین^(ع) در خرابه‌شام را آورده است.

چرا در برخی تواریخ نام رقیه^(س) نیامده است؟

برخی محققان تاریخ می‌گویند ما هرچه در منابع جست‌وجو می‌کنیم، فقط نام دود دختر حضرت سیدالشهدا^(ع) ذکر شده است. بیکی سکینه و دیگری فاطمه بنت‌الحسین^(ع) و اگر حضرت، دختری به نام رقیه^(س) داشتند، باید منابع تاریخی ذکر می‌کردند. در پاسخ به این شبهه باید گفت اولاً این طور نیست که همه منابع نقل نکرده باشند، بلکه برخی منابع نام حضرت رقیه^(س) را آورده‌اند. اگرچه تواریخ عمومی مثل تاریخ طبری، تاریخ یعقوبی و مروج الذهب نامی از نازدانه سه‌ساله نیاورده‌اند اما نسب‌شناسانی همچون بیهقی در کتاب «لباب‌الانساب» وقتی دختران امام حسین^(ع) را نام می‌برد، به سه دختر اشاره می‌کند. فاطمه، سکینه و رقیه^(س). این کتاب توسط آیت‌الله مرعشی نجفی چاپ شده و در بازار موجود است و اعتبار آن از تواریخ عمومی بیشتر است، چون اختصاص به نسب‌شناسی دارد اما تواریخ عمومی، سیر تاریخی حوادث را نوشته‌اند و درکنار آن به نسب‌شناسی هم پرداخته‌اند.

نسب‌شناس از رقیه^(س) سخن گفته‌اند

دلیل دوم در پاسخ به چرایی اینکه در برخی تواریخ عمومی، نام حضرت رقیه^(س) نیامده، آن است که این تواریخ عمومی براساس سیر تاریخی عمومی پدیده‌های سیاسی نوشته شده‌اند، برای مثال تاریخ طبری و تاریخ یعقوبی با نگاه سیاسی و بر مبنای حوادث سیاسی، تاریخ را نگاشته‌اند و طبیعی است چنین تاریخ‌نگارانی از شخصیت‌هایی نام بیاورند که در سیر تحولات سیاسی نقش داشته‌اند، مثل حضرت ام‌کلثوم، فاطمه بنت‌الحسین^(ع) و سکینه^(س) که خطبه خواندند و در ماجرای کرپلا نقش آفرین بودند، در کوفه با مردم سخن گفتند و در شام به یزید اعتراض کردند. اما یک دخترچه سه‌چهارساله نقش سیاسی نداشته است و لذا تواریخ عمومی اشاره‌ای به ایشان نکرده‌اند. اما در «لباب‌الانساب» که نسب‌شناسی است، نام ایشان و نیز «الحاویه» هم داستان خرابه‌شام بیان می‌شود.

چهره عوام‌فریب بنی‌امیه را کنار زد

در بررسی نقش این دخترچه به‌عنوان سند مظلومیت حضرت سیدالشهدا^(ع) ابتدا باید بگوییم چرا اساساً حضرت، زن و بچه و طفل شیرخوار را با خود به این کارزار آوردند. پاسخ آنکه امام حسین^(ع) برای جنگ نیامده بودند، بلکه نهضت و انقلاب را در نظر داشتند که یک بخش آن جنگ و بخش دیگر آن، اثبات مظلومیت ائمه^(ع) بود. حضرت، با همراه‌کردن این بچه‌ها و خانواده، چهره عوام‌فریبانه بنی‌امیه را که داعیه دین داشتند، کنار زدند.

عضو هیئت علمی گروه تاریخ

مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی^(ره):

تواریخ عمومی براساس سیر تاریخی پدیده‌های سیاسی

نوشته شده‌اند؛ طبیعی است چنین تاریخ‌نگارانی از

شخصیت‌هایی نام بیاورند که در سیر تحولات سیاسی

نقش داشته‌اند، مثل حضرت ام‌کلثوم^(س)، فاطمه

بنت‌الحسین^(ع) و سکینه^(س) که خطبه خواندند و در

ماجرای کرپلا نقش آفرین بودند؛ در کوفه با مردم سخن

گفتند و در شام به یزید اعتراض کردند. اما یک دخترچه

سه‌چهارساله نقش سیاسی نداشته است و لذا تواریخ

عمومی اشاره‌ای به ایشان نکرده‌اند

آمنه مستقیمي| از عواملی که به قیام عاشورای حسینی درکنار حماسه و شعور، شور و عاطفه می‌بخشد، حضور زنان و کودکان است

که نه اهل جنگ و جنگاوری بودند و نه خطری از جانب آن‌ها دشمن را تهدید می‌کرد اما مورد بی‌رحمانه‌ترین جنایات قرار گرفتند

که همین سند مظلومیت سیدالشهدا^(ع) است و در تاریخ ماندگار شد؛ ازجمله جنایت در حق نازدانه سه‌ساله امام^(ع) که پنجمین

روز از ماه صفر، سالروز شهادت ایشان است. به‌مناسبت فرارسیدن این روز با حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر علی امین‌رستمی،

عضو هیئت علمی گروه تاریخ مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی^(ره) و کارشناس تاریخ اسلام برنامه‌های معارفی رسانه ملی، گفت‌وگو کرده‌ایم.

اطفال سند مظلومیت امام حسین^(ع) شدند

شخصیت‌هایی مثل حضرت علی اکبر^(ع) یا حضرت عباس^(ع) مرد جنگی بودند ولی طفل شیرخوار و دخترچه خردسال نه حرکت نظامی کرده و نه به‌دنبال جنگ بودند. اما آنچه دشمن به سر آن‌ها آورد، نقاب دین‌مدارانه بنی‌امیه را به خوبی کنار زد و لذا مردم پس از کرپلا دریافتند نباید دین خود را از بنی‌امیه بگیرند، برای همین هم بعداز قیام عاشورا مکتب فقهی در اهل سنت مطرح شد و بین نهاد خلافت و مرجعیت دینی فاصله افتاد و این از ثمرات قیام حسینی بود که با حضور اطفال و با عنصر مظلومیت توانستند بر اسلام اموی خط بطلان بکشند.

زبان حال روضه‌ها، راوی مظلومیت رقیه^(س)

درباره حضور دیگر دختران امام حسین^(ع) در مسیر کرپلا به شام و مجلس یزید، نقل‌قول‌هایی هست اما درباره حضرت رقیه^(س) چنین نقلی نیست و بیش از آنچه شنیده‌ایم در تاریخ درباره این نازدانه نقل شده‌است، در کامل بهایی ماجرای خرابه و ابزار دلتنگی این دخترچه و اینکه به او می‌گفتند پدر به سفر رفته، ذکر شده و بیش از این درباره آن نازدانه نقلی نیامده است. آنچه در مجالس مطرح می‌شود، بیشتر زبان حال است. در مقتل خوانی تعبیری داریم به نام «زبان حال»، مثل اینکه وقتی دخترچه‌ای با سر بریده پدر مواجه می‌شود، چه واکنشی نشان می‌دهد. این‌ها به‌عنوان زبان حال بیان شده‌است، نه اینکه در تاریخ نقل شده باشد. این شیوه و استفاده از اشعار، جایز است و مشکل ندارد. کرامات و توسلات بعداز شهادت درباره ایشان ذکر شده و کتاب‌هایی هم در این باره نوشته شده است.



وقتی دین هزینه دارد، ایمان آشکار می‌شود

و جناحی؟ آیا امکانات را برای گره‌گشایی از

مردم می‌خواهد یا برای تثبیت موقعیت خود؟

در منطق دین، قدرت زمانی ارزش دارد که به

عدل، خدمت و دفاع از حق منتهی شود؛ وگرنه

به ابزار سنگین سقوط انسان تبدیل می‌شود.

اما در میان همه صحنه‌های عاشورا، آنچه

پس از شهادت امام حسین^(ع) در شام

رخ داد، معنای پیروزی حق را کامل کرد.

در ظاهر، حکومت اموی می‌خواست با

نمایش اسیران، سرهای شهیدان بر نیزه و

برگزاری مجلس شادمانی، خود را فاتح معرفی

کند. اما در باطن، همان‌جا هیمنه قدرت

در هم شکست. خطبه‌های روشن‌گرانه

حضرت زینب^(س) نشان داد که مشروعیت، حتی

با زور ساخته نمی‌شود و حقیقت، حتی

در بند اسارت نیز خاموش نخواهد شد.

او با صلابت، منظومه تبلیغاتی حکومت را

فرو ریخت و نشان داد که شکست واقعی،

نه در زخم و اسارت، بلکه در باطل بودن و

رسواشدن است.

شام، در حقیقت محل تحقیر اهل بیت^(ع)

جامعه‌ای که در برابر امتحان الهی عقب‌نشینی

می‌کند، چگونه می‌تواند ظاهراً در کنار حق

بایستد اما در عمل، جانب باطل را بگیرد.

نکته مهم‌تر این است که امتحان الهی فقط

در سختی و بلا خلاصه نمی‌شود. گاهی فقر،

بیماری و مصیبت انسان را می‌آزماید، اما

گاهی ثروت، موقعیت، شهرت، قدرت و رفاه،

آزمونی دشوارتر است. چه بسیار کسانی که در

تنگدستی اهل دعا و خشوع‌اند، اما با رسیدن

به نعمت و قدرت، آرام آرام از خدا فاصله

می‌گیرند. ثروت اگر مهار نشود، به دل‌بستگی

بدل می‌شود؛ قدرت اگر در خدمت مردم

نباشد، به ابزار خودخواهی تبدیل می‌شود؛

و رفاه اگر بر ایمان غلبه کند، انسان را به جایی

می‌برد که حقیقت را قربانی آسایش کند.

از همین زاویه، یکی از مهم‌ترین درس‌های

عاشورا این است که مسئولیت، امانت است

نه امتیاز؛ هرکس در جایگاه اجتماعی، مدیریتی

یا سیاسی قرار می‌گیرد، درحقیقت در معرض

آزمونی تازه است؛ آیا از قدرت برای خدمت

بهره می‌برد یا برای منافع شخصی، خانوادگی



دین داری در روزهای

آرام و بی‌دردسر، آسان به

نظر می‌رسد؛ اما حقیقت

آن درست در لحظه‌ای

آشکار می‌شود که پای هزینه، خطر، فداکاری

و از خودگذشتگی به میان می‌آید. بسیاری

تا وقتی دین با آسایش، منفعت و رفاه آنان

تعارفی نداشته باشد، خود را دین‌دار

می‌دانند؛ نماز و روزه و مناسک را حفظ

می‌کنند و از تعهد دینی سخن می‌گویند. اما

همین که دین از آنان چیزی بخواهد، چیزی

فراتر از عادت و منفعت، مرز میان ایمان حقیقی

و ایمان زبانی نمایان می‌شود. همین نقطه،

میدان امتحان الهی است.

تاریخ کرپلا روشن‌ترین این حقیقت است.

مردمی که پیش از حرکت امام حسین^(ع) با

نامه‌های فراوان ادعای وفاداری کردند، در

آزمون واقعی فرو ریختند. تا وقتی سخن از

همراهی بود، زبان‌ها گرم بود، اما هنگامی‌که

تهدید، ارعاب، تطمیع و محاسبه سود و زیان

وارد صحنه شد، بسیاری عقب‌نشستند. آنان

دین را تا جایی می‌خواستند که برایشان هزینه

نداشته باشد. از این رو، عاشورا فقط یک

فاجعه تاریخی نیست؛ سندی است بر اینکه

در سپهر

پرهیزکاری